

بررسی پیامد پیروزی «جو بایدن» بر روابط ایران و امریکا در گفت‌وگو با «حسین واله»، استاد دانشگاه

باید در امریکالابی ایرانی ایجاد کنیم

وقتی دولت را متهم می‌کنند، به قدرت خارجی سیگنال می‌دهند که با دولت رسمی کار نکن چون مانمی‌گذاریم

مریم سالاری
خبرنگار دیپلماسی

مسائل بین‌الملل پیرامون تأثیر و تأثر انتخابات امریکاروی روابط بحرانی تهران و واشنگتن گفت‌وگو کردیم، او با اشاره به فرصتی که برای گفت‌وگوی مجدد با امریکا درباره برجام فراهم شده است، می‌گوید ایران باید در این گفت‌وگوی احتمالی به صراحت مسئولیت حقوقی و جزئیات خساراتی را که دولت ترامپ در نتیجه خروج یکجانبه‌اش از برجام وارد کرده است، یادآور شود و در این مسیر خود ابتکار عمل را در دست گیرد. «واله» در عین حال تحرکات داخلی شماری از جناح‌های سیاسی کشور پیرامون این موضوع را بر خلاف رویه تأمین منافع ملی توصیف کرده‌و آن راه‌زنه‌سازی برای کشور در این شرایط حساس می‌داند.

■ به نظر می‌رسد که مواجهه با موضوع برجام و تغییر احتمالی سیاست امریکا درباره این توافق همچنان با برخورد جناحی شماری از طیف‌های منتقد و تندرو روبه‌رو است. کسانی که پروژه لغو تحریم‌ها را اساساً از منظر منافع ملی نمی‌بینند و جناحی با آن برخورد می‌کنند، با پیروزی بایدن هم تحرکات حامیان این دیدگاه تقویت شده است. این نگاه چه آسیبی را متوجه منافع ملی کشور می‌کند؟

به طور کلی گروه‌های سیاسی حق دارند نظرشان را در باب هر موضوعی بگویند. اما جناح‌های حکومت نباید از موضوعات سیاست خارجی در مناقشات سیاسی داخلی علیه یکدیگر استفاده کنند. این خلاف عقل و منافع کشور است. اما بطور مشخص در باب

دشمنی با ایران و نوکری اسرائیل درآیند. آن فشار که برداشته شود، متحدان امریکا به جان هم می‌افتند. ■ آیا در مدت حضور باقی مانده ترامپ در قدرت، او اقدامات جدیدی را برای تنگ‌تر کردن حلقه تحریم‌ها و بستن دست بایدن برای مذاکره احتمالی با ایران در پیش خواهد گرفت؟

ترامپ هر کاری بتواند می‌کند. این بشر نشان داده ممکن است اقداماتی را انجام دهد که عملاً دست

بقیه را ببندد.

■ فارغ از تغییر سیاست احتمالی «بایدن» درباره مناسباتش با ایران و برجام، عاملیت نهادهای تصمیم‌گیر در ایران هم اهمیت زیادی دارد. بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در پایتخت‌های اروپایی در قبال برجام

■ به نظر می‌رسد که با پیروزی بایدن باید انتظار تحولات جدی در سیاست‌هایی را داشته باشیم که ترامپ در دوره مسئولیت خود در عرصه بین‌المللی به کار گرفت و باعث ایجاد شکاف‌های جدی در مناسبات جامعه جهانی شد. نظر شما چیست؟

بله. با بازگشت دموکرات‌ها به کاخ سفید بسیاری از سیاست‌های امریکا در داخل و خارج تغییر خواهد کرد. سیاست تعمیق شکاف در داخل و سوار شدن بر آن برای حکمرانی و راهبرد یکجانبه‌گرایی و قدرتگرایی در خارج تا حدی تغییر خواهد یافت. این پیش‌بینی براساس پلتفرم‌های احزاب امریکا و محاسبه تأثیر پایگاه قدرت آنها در رویکردهاست. در مورد خاورمیانه، متحدان سنتی امریکا تحت مختصر فشارهایی قرار خواهند گرفت تا سیاست‌های خود را با خط دموکرات‌ها منطبق‌تر کنند. دموکرات‌ها با گسترش شهرک‌نشین‌ها در فلسطین مخالفند و برای فشار بیشتر بر تل آویو برای مختصر عقب‌نشینی برای ممکن سازی مذاکرات با اعراب آمادگی دارند. ترامپ درست توان امریکا را در اختیار تانیاهو قرار داده بود. این وضعیت تغییر خواهد کرد.

در مورد ایران، دموکرات‌ها برخلاف جمهوریخواهان حق غنی‌سازی ایران را به رسمیت شناختند، بین مسأله اتمی با مناقشات دیگر تفکیک کردند و راه تعامل با ایران را برگزیدند، اما جمهوریخواهان تسلیم اراده تل آویوو شدند و در مسیر براندازی جمهوری اسلامی و فروپاشیدن ایران حرکت کردند. کاخ سفید به موضع قبلی برخواهد گشت البته تا جایی که از این طرف موافقی ایجاد نشود.

■ «جو بایدن» پیش از این در خلال رقابت‌های انتخاباتی‌اش بارها تصمیم ترامپ به خروج از برجام را زیر سؤال برد و وعده داد که در صورت پیروزی به این توافق برگردد. چه اندازه انتظار می‌رود که اختلافات بحرانی ایران و امریکا بویژه درباره برجام با حضور او کمتر شود؟

اگر بقیه شرایط ثابت بماند، با دموکرات‌ها در کاخ سفید، تخصص امران و امریکا به اختلاف تبدیل خواهد شد. برجام گام نخست حرکت در مسیر حل و فصل اختلاف‌ها بود. خروج ترامپ و تحریم‌های یکجانبه و جنگ اقتصادی و دیپلماتیک و تبلیغاتی او علیه ایران راه را بر هرگونه تعامل بست. بازگشت به برجام راه را مجدد باز می‌کند، اما بایدن می‌داند که کار ترامپ ضربه‌ای اساسی به اعتماد ایران و به اعتبار امریکا زده است. لذا او ناچار است این را جبران کند؛ نیز می‌داند که تمام فشارهای ترامپ در نهایت نتیجه مطلوب او را نداد. پس پیش‌بینی می‌کند ادامه فشار، بی‌حاصل یا بر هزینه باشد. در نتیجه سراغ مشوق‌هایی خواهد رفت که خاطره کثافتکاری ترامپ را بشوید و پاک کند. این انتظار بحثی از جانب ایران است. نقض برجام و تحریم‌های جنایت‌آمیز و خلاف قوانین بین‌المللی و حتی قانون خود امریکا برای دولت بایدن مسئولیت ایجاد کرده است. این بار باید بازگشت به برجام و توافق‌های دیگر طوری تثبیت شود که یک خودشیفته سیاست ناشناس دیگر دوباره آن را ضایع نکند.

■ صرف‌نظر از موضوع مذاکره ایران و امریکا پیرامون برجام در دوره «بایدن» که ممکن است مقدمات آن ماه‌ها طول بکشد، حضور او در کوتاه مدت چه تأثیراتی در عرصه سیاست خارجی ایران و کم شدن فشارها علیه آن و حتی از منظر اقتصادی برای ایران دارد؟

به مذاکره مجدد در باب برجام نیاز نیست. همه اطراف می‌توانند به نقطه قبل برگردند. آنچه لازم است اقدام‌هایی مزید بر برجام است. تحریم‌های پس از الغای برجام، تروریست اعلام کردن سپاه پاسداران و کمک‌هایی که به دشمنان ایران کرده باید لغو شود. دموکرات‌ها می‌دانند که این‌ها پیش‌شرط مذاکره چندجانبه‌ای است چه رسد به مذاکره دوجانبه. اگر قرار است ترتیبات منطقه‌ای یا حضور همه طرف‌ها مورد توافق قرار گیرد، نمی‌شود که مثلاً پارلمان قطر تحریم باشد سپاه ایران تروریست باشد. دولت ترکیه یا عراق زیر تهدید باشد و این کشورها دور میز مذاکره بنشینند. اول باید همه به سطح طرف‌های هم‌تراز برسند بعد وارد فرآیند گفت‌وگو شوند. دموکرات‌ها این چیزها را می‌فهمند.

در کوتاه مدت، شکست ترامپ یک لریزه بر ساختار بیشتر روانی بازارها در ایران وارد می‌کند که به نظرم بعید است خیلی دوام بیاورد. یک انتظار گسترده برای بهبود سریع اقتصادی هم پدید می‌آید. اما به نظرم این هم خیلی واقع بینانه نیست لکن به هر حال مشکلاتی برای حکومت ایجاد می‌کند. یک شوک هم بر رقبای ایران در منطقه وارد می‌کند. دعوای قیما بین آنها تشدید خواهد شد چون با زور ترامپ آن دعوای به حاشیه رفته بود تا تمام آنها در خدمت



تضعیف ترامپ در ایالات مختلف، مؤثر افتاد.

۶- با توجه به اهمیت تیم اجرایی و همکاری کاندیداها برای مشارکت کنندگان، پیام بایدن به رأی‌دهندگان مبنی بر استفاده اواز همکاران او با وما و همچنین حمایت از زنان نیز در نتیجه آرا مؤثر بوده است.

۷- در شرایطی که کمپین ترامپ حمایت رسانه‌های اجتماعی را مانند سال ۲۰۱۶ به همراه نداشت و حتی گاهی مقابل آنها قرار گرفت، بیشتر رسانه‌های بزرگ با بایدن همراهی کردند و این مسأله نیز نقش مهمی در پیروزی او داشت.

۸- در این انتخابات بیشتر شاهد «رای بر ضد ترامپ» بودیم تا «رای در حمایت از بایدن» یعنی بخش قابل توجهی از مردم به جو بایدن رای دادند، چون وی ضد ترامپ است.

۹- به‌طور کلی باید گفته شود انتخابات رطبی به شخصیت‌ها نداد بلکه انتخابات به موضوعات و مشکلات و میزان اعتماد مردم به نامزدها برای حل مشکلات ربط دارد. یک نظر سنجی گالوپ در اواخر ماه میلادی گذشته درباره میزان اعتماد مردم امریکا برای حل کردن مهم‌ترین مشکلات این کشور بیانگر این بود که مردم امریکا به دموکرات‌ها بیشتر از جمهوریخواهان برای حل مشکلات کشورشان اعتماد دارند. یعنی در شرایط کنونی دموکرات‌ها از جنبه اعتبار شخصی و جلب اعتماد مردم برای حل مشکلات وضعیت بهتری دارند که این مسأله نیز بدون تأثیر در نتیجه انتخابات اخیر نبوده است. نکته قابل ذکر در پایان این است که نباید فراموش کنیم که حتی با وجود پیروزی بایدن، ترامپ همچنان حدود نیمی از آرا را در انتخابات کسب کرد. اگر کرونا نمی‌آمد هم احتمالاً ترامپ دوباره رئیس‌جمهور می‌شد

و این مسأله یعنی کسب حدود نیمی از آرای شهروندان در بزرگ‌ترین اقتصاد و قوی‌ترین قدرت نظامی جهان توسط یک خودشیفته آزارگر، فاسد، دروغ‌گو و زن‌پرست و زن‌ستیز و ... آن هم بعد از صدها رسوایی‌اش در برابر چشم‌ها و رسانه‌ها در این چهار سال و لطمه‌ای که به محیط زیست وارد کرد. بنابراین کسب این میزان آرا در برابر بایدن بسیار هشدار دهنده است.

ترامپ را نباید از منظر فردی تحلیل کرد، بلکه باید او را در ظرف تاریخی و شرایط اجتماعی - اقتصادی امریکا و بعنوان صدای بخشی از افشار و طبقاتی که در امریکا شنیده نمی‌شوند تحلیل کرد. ترامپ تنها نماینده جمهوریخواهان نیست بلکه صدای شنیده نشده بخشی از جامعه است که در طول چند دهه اخیر بشدت در این کشور فقیر یا بیکار شده‌اند، هویت خود را از دست رفته می‌بینند و از خود بیگانه شده‌اند، کسانی که عمیقاً مخالف ساختار قدرت سیاسی کاخ سفید هستند و نخبگان را علل بدبختی و فقر خود می‌پندارند. آنهاهی که صاحب هیچ تشکل مستقلی در ساختار سیاسی امریکا نبوده و به ترامپ تکیه کرده‌اند. نیرویی که بسادگی می‌توانند با سیاست‌های ضد مهاجرتی، ضد سیاه‌پوستان و ضد زنان همراه و بسرعت به راست افراطی تبدیل شوند. اگر این طبقه قربانی سیاست‌های نولیبرالیسمی نمی‌شدند به ترامپ به عنوان نجات بخش خود نگاه نمی‌کردند. ترامپ توانسته آنها را همراه کمپین خود کند. افزون بر آن باید نوع بیان ترامپ علیه ساختار قدرت در کاخ سفید (Stabishment) را اضافه کرد. او همواره در مصاحبه‌هایش می‌گوید که علیه فساد و نخبگان کاخ سفید برخاسته است. در طرف مقابل ترامپ، جبهه‌ای از زنان، رنگین پوستان، همجنس گرایان، نخبگان و احزاب چپ شکل گرفت که این اجماع از لحاظ تاریخی بی‌سابقه بوده است. احتمال عمیق‌تر شدن این بحران در صورت شنیده شدن صدای این بحران طبقاتی (که نتیجه جهانی شدن و فقر بخش‌هایی از شهروندان امریکا، از جمله کارگران سفید پوست است) وجود دارد و با سلب و انتقال قدرت از ترامپ به بایدن بحران خاتمه نمی‌یابد. ترامپ برای سال‌های آینده در نقش یک چهره غالب در جنبش محافظه کار و به عنوان سمبلی باقی خواهد ماند که باعث ایجاد تفرقه شدید می‌شود و ممکن است در سال ۲۰۲۴ بار دیگر در انتخابات شرکت کند و ترامپ‌بیس می‌تواند تأثیرات عمیقی بر محافظه کاری امریکا مانند ریگان داشته باشد.



در محیط سیاسی و مدیریتی امریکا یعنی بحران کرونا به بهترین شکل ممکن استفاده و تلاش کرد که کرونا موضوع محوری انتخابات بماند و تمام تمرکز خود را بر آن گذاشت به‌طوری که بایدن بسیار زیرکانه و حساب شده از این موضوع کمال استفاده را برد و سعی کرد با رفتارهای نسبتاً خردمندانه و عاقلانه چهره‌ای به مراتب به روزتر و دلسوزانه‌تر از خود در جامعه امریکا نشان داده و در تبلیغات انتخاباتی، عمده تمرکز و حملات خود را بر ناتوانی دولت ترامپ در مدیریت بحران کرونا قرار داد و اعلام کرد که فوری‌ترین برنامه دولت انتقالی او تشکیل ستادی ویژه برای مدیریت این ویروس مرگبار است.

۲- کمپین بایدن از حمایت حزبی منسجمی برخوردار بود و همه شخصیت‌های سیاسی مطرح موجود در این حزب از برنی سندرز گرفته تا باراک و میشل او با ما از او حمایت کردند یعنی شکل‌گیری ائتلاف و هم‌افزایی مؤثر او با ما و سندرز در حمایت از بایدن به تعبیر دیگر، ائتلاف طیف پیرو و میانه حزب دموکرات با عدالت‌خواهانه‌تر شدن برنامه‌ها و ادبیات بایدن و درس‌گیری از خطاهای کمپین دموکرات‌ها در ۲۰۱۶ ممکن شد.

در مقابل اما هیچ کدام از جمهوریخواهان برجسته حاضر نشدند مخصوصاً پس از طرح موضوع تقلب توسط ترامپ از وی حمایت کنند. واقعیت این است که ترامپ هرچه بیشتر در مسیر انکار ساختار سیاسی پیش رفت و آن را ساختاری معرفی کرد که در آن امکان تقلب گسترده وجود دارد، بیشتر حمایت ضمنی و صریح جمهوریخواهان مؤثر را از دست داد.

۳- شعار و نحوه عمل بایدن؛ شعار نامزدها در همه انتخابات بدون شک یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رأی مردم خواهد بود. «نبرد برای احیای روح امریکا» و فرصتی برای امریکایی‌ها برای پشت سر گذاشتن تفرقه و آشوب چهار سال گذشته و تأکید بر تفرقه‌انگیز و تحریم‌آمیز بودن اقدامات ترامپ و نیاز امروزی امریکایی‌ها به رهبری آرام‌تر و بابائیت‌ر، شعاری بود که بایدن در این انتخابات از آن استفاده کرد و مؤثر افتاد.

۴- میانه روی بایدن و جلب نظر جمهوریخواهان میانه‌رو و ناراضی و پایبندی بایدن به استراتژی میانه‌روی و دعوت از کاملاً هریس (در شرایطی که می‌توانست به جای هریس فردی را به عنوان معاون خود انتخاب کند که از حمایت بیشتر جناح چپ حزب بر خوردار باشد) باعث شد نظر جمهوریخواهان میانه‌رو و ناراضی در جریان کارزار انتخابات سراسری به او جلب شود.

۵- بنیه مالی و پیام کمپین انتخاباتی بایدن

بر خلاف پیام ترامپ بر شخص بایدن متمرکز نبود و نقطه تمرکز خودش را بر مردم امریکا و مشکلات آنها گذاشته بود. در مقابل کمپین ترامپ تنها بر عملکرد شخص ترامپ تمرکز کرده بود. یعنی این کمپین هیچ برنامه منسجم و ملموسی برای خلاصی جامعه امریکا از بحران کرونا ارائه نمی‌کرد. این در حالی بود که کمک‌های مردمی به کمپین انتخاباتی بایدن و فعالیت تبلیغاتی گسترده تلویزیونی (در شرایط کرونایی و محدودیت فعالیت‌های انتخاباتی که امریکایی‌ها بیشتر وقت خود را به دنبال کردن رسانه‌ها در منازل خود می‌گذراندند) دنبال می‌شد و تلاش آنها در تمامی ایالات محل رقابت نیز در زمینه‌سازی

انتخابات امریکا، من تعجب می‌کنم از کسانی که از امریکا یک تصور انتزاعی دارند. انگار امریکا یک بقالی است. بقال بدی هم هست. حالا چه خودش چه زنش و چه بچه‌هایش. مگر ایران یک ایران است؟ مگر در ایران حتی در سطح حکومت این همه اختلاف سلیقه وجود ندارد؟ خب، امریکا هم همین طور است. گرایش‌های متضاد و دعوای جدی وجود دارد. بعضی‌هاشان با دشمن طبیعی ایران یعنی اسرائیل نزدیک‌ترند بعضی‌ها دورتر. بعضی‌ها رقبای منطقه‌ای ایران را به طور راهبردی ترجیح می‌دهند بعضی‌ها نمی‌دهند. روش‌های آنها برای رسیدن حتی به اهداف یکسان هم متفاوت است. بعضی قدرت مدارترند، بعضی اجماع‌گراتر. سیاست‌سازان ایرانی باید همه این جزئیات را در نظر بگیرند و اطلاع کامل و چشم باز و مستند به مدارک معقول تصمیم بگیرند.

وقتی شعارزدگی خبیصه غالب سیاست خارجی شود، اطراف خارجی را به اتخاذ مواضع امن‌تر تشویق می‌کند و این هزینه ما را بالا می‌برد. هزینه‌سازی برای کشور هنر نیست. حفظ عزت و اقتدار با حداقل هزینه ممکن هنر است. وقتی دولت را متهم می‌کنند به وادادگی و دلدادگی به غرب و به هر گونه مذاکره ناسازی می‌گویند، به قدرت خارجی سیگنال می‌دهند که با دولت رسمی کار نکن چون ما نمی‌گذاریم موفق شوید. خب این بوی خیانت می‌دهد. وقتی نظام سیاسی تصمیم گرفت مذاکره کند یا مذاکره نکند، همه کشور پشت آن تصمیم می‌ایستند. چون همه کشور در برابر نیروی خارجی ایستاده است. اینجا شق عصا خیانت است. هیچ کمتر از پیوستن مجاهدین خلق به صدام وسط جنگ ایران و عراق نیست.

من به این نیروهای سیاسی پیشنهاد می‌کنم بیایید فکری اساسی برای سامان دادن به رقابت سیاسی در داخل کنید. بیایید بر قاعده بازی کارآمدی توافق کنید و چارچوب رقابت را برنامه‌ها و نگرش‌ها و داور نهایی را مردم قرار دهید. از این طریق سیاست‌ورزی تربیت عمومی‌را نتیجه خواهد شد، و حرف‌های مفیدی برای گفتن تولید خواهد شد، خیلی بهتر از فحاشی و افشاگری و تهمت‌زنی است که هم رقابت را به سخافت می‌کشد هم جامعه را به اجماعی مرکب می‌رساند که همه کارگزاران فاسد و وابسته و نالهند. قرار است که برای ۱۴۰۰ رقابت شود؟ چه خوب. شود. اما چرا چارچوب آن رقابت تهمت‌زنی باشد؟ رقابت که دشمنی نیست. اندیشه‌ها و برنامه‌ها و چینش اولویت‌ها را باید موضوع رقابت انتخاباتی قرار داد و با هدف جلب مشارکت حداکثری تمام قد وارد میدان شد و بعد شجاعانه به استقبال پیروزی رفت یا شکست را پذیرفت.